

عقیله بنی هاشم؛ نمود واقعی از گفتار و گفتمان علوی

نقل است وقتی حضرت زینب در کوفه شروع به سخنرانی کرد، طوری سخن گفت که گویا امیرالمومنین سخن می‌گوید که نشان می‌دهد منطق و فصاحت و بلاغت کلام زینب (س) همانند کلام پدرش علی (ع) بوده است.



نقل است وقتی حضرت زینب در کوفه شروع به سخنرانی کرد، طوری سخن گفت که گویا امیرالمومنین سخن می‌گوید که نشان می‌دهد منطق و فصاحت و بلاغت کلام زینب (س) همانند کلام پدرش علی (ع) بوده است.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: حضرت زینب (س) که در خانه وحی و تحت تعلیمات امیرالمومنین و حضرت صدیقه (س) پرورش یافت، جایگاه رفیعی در جهان اسلام دارد. جای جای مقاطع مختلف زندگی این بانوی گرانقدر مشحون از حکمت‌ها و اندرزهای بسیار است که عصمت و علم ایشان را نمایان می‌سازد. اگرچه عصمت و علم آن حضرت را می‌توان از روایات و خصائصی که اهل بیت نسبت به ایشان ذکر کرده‌اند، احصا کرد اما پیش از این، بررسی سیره و نوع مواجهه آن حضرت مسائل و اتفاقات پیرامون خود، هر ناظر منصفی را به این ادراک می‌رساند که کسی جز با عصمت و علم لدنی نمی‌توانست چنین در برابر حوادث زمانه اقدام کند.

علم در محضر آن حضرت نه علم تحصیلی بلکه علمی لدنی است و این مسئله هم در روایات و هم در بیان آن حضرت مشهود است که کسی جز با اتصال به سرچشمه علم الهی نمی‌تواند چنین در مورد مسائل مختلف از تفسیر قرآن گرفته تا خطبه خوانی در کوفه و شام و... سخن بگوید.

شاهدی بر عصمت و ولایت حضرت زینب (س)

آیت الله جوادی آملی در باب سرّ اشتها آن بانو به عقیله بنی هاشم می‌گوید: برخی عاقل نیستند و به دنبال تحصیل عقلند؛ برخی عاقلند و عقل برای آن‌ها به صورت حال است، یعنی وصفِ دیرپا نیست [بلکه] گاهی هست و گاهی نیست؛ برخی عاقلند و عقل برای آن‌ها به منزله یک وصف ملکه است؛ و برخی عاقلند و عقل برای آن‌ها به منزله فصل مقوم است.

وی ادامه می‌دهد: کسانی که عقل برای آن‌ها به منزله فصل مقوم است، به تمام معنای کلمه، عقیله‌اند. حسین بن علی (ع) «عقیله بنی هاشم» است و زینب کبرا (س) نیز «عقیله بنی هاشم»؛ این «تاء»، «تا» ی مبالغه است، نه «تا» ی تأنیث. وقتی می‌گویند انسان خلیفه‌الله است به همین صورت است. آدم خلیفه‌الله است نه خلیف الله، چرا؟ برای این که این «تاء»، «تا» ی مبالغه است. همان طور که می‌گوئیم فلان شخص علامه است. بنابراین هم وجود مبارک حسین بن علی (ع) عقیله بنی هاشم است و هم وجود مبارک زینب کبری؛ عقل برای اینها به منزله فصل مقوم بود. اگر عقل برای کسی، فصل مقوم باشد، کمالات از او نشأت می‌گیرد؛ مقهور اوست و نه مسلط بر او.

وی می‌افزاید: کسانی هستند که کمال، آن‌ها را حفظ می‌کند [اما] برخی از افراد، حافظ کمالند؛ ذات اقدس الهی درباره وجود مبارک پیغمبر (علیه و علی آله آلاف التحية و الثناء) نفرمود تو دارای خلق عظیمی یا متخلق به خلق عظیمی؛ بلکه فرمود: «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»؛ برای این که آن حضرت مسلط بر عدل و فضیلت بود. کسانی می‌کوشند که فضیلت، آن‌ها را رها نکند و برخی از افراد می‌کوشند که فضیلت را حفظ کنند. اگر ذات، بالا بیاید و خلیفه خدا شود و نورانی شود، از ذات نورانی وی، خلق عظیم نشأت می‌گیرد. فرمود: «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» یعنی تو بر خلق، مسلطی و خلق در اختیار تو است؛ نه آن که تو بخواهی با اخلاق، کامل شوی. کمال اخلاق در این است که از تو نشأت می‌گیرد. درباره بعضی کسان قرآن کریم فرموده است: «قَهْوٌ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّيِّهِ»؛ منظور این آیه کسانی است که با نور حرکت می‌کنند مثل افراد عادی که با چراغ حرکت می‌کنند؛ اما برخی از افراد، نورانی‌اند و هر جا آن‌ها باشند، نور هست. درباره آن‌گونه افراد، تعبیر قرآن کریم این است که «قَهْوٌ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّيِّهِ» که نور زیر پای اینها است؛ نور مرکب و مرکوب اینها است و اینها سوار بر نورند.

آیت الله جوادی آملی معتقد است: آفتاب، مسلط و راکب بر نور است؛ نه آن که نور، راکب بر آفتاب باشد. شمس «علی نور» خلق شده است؛ چون نور از شمس است ولی فضای روز و این زمان، با نور روشن است. خود این زمان نور ندارد، بلکه نور را از شمس می‌گیرد اما خود شمس، «علی نور من رّبه» خلق شده است.

وی ادامه می دهد: عقيله بنی هاشم مسلط بر عقل است و عقل در اختیار آن ها است. ایشان آن قدر قوی اند که علم و عقل به معنای «ما عید به الرحمن»، مقهور آن ها است؛ بنابراین اگر کسی ان شاء الله به جایی رسید که اول عاقل باشد، بعد عقیل شود و بعد عقيله شود، مصداق «فَهُوَ عَلِيٌّ ثَوْرٌ مِّن رَّيَّةٍ» می شود. اول باید کوشید عاقل شد؛ عاقل اسم فاعل است. بعد باید عقیل شد که این صفت مشبیه است و دلالت بر ثبات دارد. بعد از این، نوبت عقيله شدن است. «تا» در عقيله، «تا» ی مبالغه است. زینب کبری و حسین بن علی (ع) عقيله بنی هاشم بودند. ما اگر بخواهیم از عقل سخن بگوییم باید سیره و سنت و سریرت این ذوات قدسی را ارزیابی کنیم، آن ها را بشناسیم و بپذیریم؛ به گفته هایشان عمل کنیم و به دیگران منتقل کنیم.

حیات نهضت حسینی؛ وامدار شجاعت زینبی

حیات قیام و نهضت حسینی وامدار شجاعت و نقش آفرینی زینب کبری (س) است. به طوری که چه قبل از واقعه، چه حین واقعه و چه پس از آن، حضرت زینب حضوری چشمگیر و تأثیرگذار داشته است.

آیت الله جوادی آملی در این باره می گوید: نباید نقش آفرینی حضرت زینب (س) را تنها به پس از حوادث عاشورا منحصر کنیم، مبدا کسی خیال کند که بخش مصیبت و اسارت مرتبط با حضرت زینب (س) است، زیرا نامه ای که در مسیر مکه و کربلا از والی مدینه خدمت امام حسین (ع) رسید و پس از طرح این پیشنهاد در نامه که زنان و کودکان این کاروان را به مدینه بفرست؟ لیکن از پشت حرم زینب کبری (س) بود که مانند شیر نعره زد و فرمود: این چه پیشنهادی است؟ «نحیی معه و نموت معه»، لذا سیره حضرت زینب کبری (س) همانند قمر بنی هاشم (ع) است، این بانو همچون علی اکبر (ع) است، مبدا کسی خیال کند از عصر عاشور به بعد نوبت نقش آفرینی زینب است، خیر، بلکه صدر تا ذیل نهضت حسینی توسط امام حسین (ع) و حضرت زینب کبری (س) بنیان نهاده شده است.

حضرت زینب (س) نمود واقعی از گفتار و گفتمان علوی

نقل است وقتی حضرت زینب در کوفه شروع به سخنرانی کرد، طوری سخن گفت که گویا امیرالمومنین سخن می گوید. این مسئله از چند جهت قابل بررسی است. یک جهت این است که لحن و صوت حضرت زینب شبیه امیرالمومنین بوده است و یک جهت دیگر هم این است که منطق و فصاحت و بلاغت کلام زینب (س) همانند کلام پدرش علی (ع) بوده است.

آیت الله جوادی آملی در این باره می گوید: اینکه می گویند حضرت زینب (س) همانند حضرت علی (ع) حرف می زند، نه تنها در فصاحت و بلاغت زبانی، بلکه محتوایش هم این است، لذا در نامه رسمی حضرت علی (ع) به معاویه که آمده است، شما طلقاً و ابنای طلقاً هستید، همین فرمایش حضرت علی (ع) توسط حضرت زینب در شام «امن العدل یابن الطلقا» (ای فرزند آزاد شدگان!) خطاب به یزید بیان گردید، یعنی شما آزاد شدگان مائید، شما بردگان ما بودید که شما را آزاد کردیم، لذا این حضرت زینب است که مانند خطبه های حضرت علی (ع) حرف می زند.

مقام عرفانی حضرت زینب (س)

وجوه عرفانی زندگانی عقيله بنی هاشم هم برای آنان که قدمی در این مسیر برداشته اند، حیرت آور است. یکی از مهمترین این وجوه عرفانی در جمله معروف «ما رایت الا جمیلاً» نهفته است که شاهد بر این است که حضرت زینب بر باطن و حقیقت نهضت عاشورا می نگرد و در این مسیر همه چیز را زیبا می بیند.

آیت الله جوادی آملی در تبیین جمله معروف حضرت زینب (س) یعنی «ما رایت الا جمیلاً» (چیزی جز زیبایی ندیدم)، یکی از مهمترین ابعاد و شاخصه های عرفانی آن حضرت را بیان کرده و می گوید: این جمله حضرت زینب سلام الله علیها در کوفه و در مقابل طعنه های گزنده این زیاد؛ بر اساس توحید افعالی است زیرا آن حضرت در برابر جسارت های این زیاد نفرمود، صبر می کنم، یا اینکه بفرماید «رأیت جمیلاً» یعنی خوبی دیدم، بلکه آن حضرت پاسخش را منحصر نمود و فرمود: «ما رأیت» یعنی ما جز خوبی چیز دیگری ندیدیم، این جمله از کسی است که امام سجاد (ع) به عنوان امام زمانش و حجت خدا روی زمین درباره او فرمود: «أنت یحمد الله؛ عالمة غیر مَعْتَمَة، قَهْمَة غَیْر مَفْهَمَة»؛ [ای زینب!] تو، بحمد الله؛ عالمی هستی که نزد کسی تعلیم ندیدی و دانایی هستی که نزد کسی نیاموختی. که این فرمایش امام سجاد (ع) را باید به نوعی شهادت عصمت و ولایت آن حضرت دانست.

وی ادامه می دهد: زینب کبری (س) کسی است که طبق بیان امام سجاد (ع) ظاهراً به مقام شامخ ولایت بار یافته

است، برای اینکه کسی که بدون تعلیم عالم بشود معلمش بلا واسطه خداست؛ کسی که بدون تفهیم اهل فهم باشد معلمش و مقهّمش ذات اقدس الهی است که وجود مبارک امام سجاد به زینب کبری (س) فرمود: «أَنْتِ يَحْمَدُ اللهُ عَالِمَةً غَيْرَ مُعَلِّمَةٍ قَهْمَةً غَيْرَ مُفَهِّمَةٍ.»

وی می افزاید: آن که در مکتب بشرهای عادی درس و فهم نیاموخت مع ذلک اهل فهم و علم شد چنین کسی می شود ولی الله؛ آن سخنرانی اش آن حماسه هایش آن صبر و بردباری اش آن قافله سالاری اش نشانه عظمت این بی بی (س) است.

با این توصیفات کاری که حضرت زینب به انجام رساند با آن شرایط سخت و سهمگین جهان اسلام، کاری شگرف و حیرت آور بود و از عهده کسی جز عقيله بنی هاشم با آن مقامات معنوی و علمی بر نمی آمد.

آیت الله جوادی آملی در خصوص عظمت حضرت زینب کبری (س) اظهار می دارد: در بحبوحه خطر آن روز [کاری که زینب کبرا کرد] کار آسانی نبود؛ خاورمیانه در سمّ اموی [اسیر] بود، ایران یک گوشه از قدرت اموی بود، جریان روم این طور بود، ایران برای اموی یک استانداری بود، چند تا استاندار برای ایران فرستادند چه اینکه در زمان حضرت امیر برای مصر یک استاندار می فرستادند آن روز کل خاورمیانه که الآن چهل پنجاه کشور است در اختیار حکومت مرکزی اموی بود. اینها منتظر بودند ببینند کربلا چه خبر است؟ سخنگوی کربلا کیست؟ تریبون کربلا به دست کیست؟ پیام کربلا چگونه به خاورمیانه منتشر می شود؟! دیدند این بانو مجلسین دولت اموی را منقلب کرد. مگر آن روز به هرکسی اجازه می دادند حرف بزنند؟ مگر آن روز هرکسی می توانست کوفه را منقلب کند؟ بین راه را منقلب کند؟ شام را منقلب کند؟ مجلس شام را منقلب کند؟!

وی ادامه می دهد: زینب کبری با سوگند در مجلسین اموی مخصوصاً در شام صریحاً اعلام کرد، شما نمی توانید نام ما را فراموش کنید؛ ما آمدم خون دادیم و این درخت تناور برای همیشه میوه می دهد، به خدا نمی توانید نام حسین را خاموش کنید، فرمود این نام فراموش شدنی نیست.

وی می گوید: قدرت اموی در شام؛ یعنی قدرت خاورمیانه، امپراطوری قدر قدرت ایران و روم تسلیم شده بودند، آن روز در خاورمیانه غیر از این دو امپراطوری بزرگ کسی حکومتی نداشت، هم ایران فتح شده بود و هم روم فتح شده بود، تمام این خاور میانه در اختیار حجاز بود، نماینده های اینها در دورترین نقطه شرق و غرب در شام حضور پیدا می کردند؛ آن طرف آب؛ یعنی اقیانوس اطلس که در دسترس نبود، این طرف آب هم که کشف نشده بود، نه خاور دور در دسترس بود و نه باختر دور کشف شده بود، دنیای آن روز؛ یعنی خاورمیانه که الآن در حدود پنجاه کشور و مملکت است. آنها مقتدرانه خیال می کردند که می توانند با کشتن حسین بن علی (ع) وحی و امامت و نبوت را به دست نسیان بسپارند. اما حضرت زینب سلام الله علیها می فرماید: به خدا نمی توانید نام حسین را خاموش کنید، چرا که این نام فراموش شدنی نیست.